



دكتور دستگیر (رضایی)

نگاهی بر چگونگی رشد اقتصادی افغانستان

طی سالهای ۱۳۸۱ - ۱۳۸۵ (۲۰۰۲ - ۲۰۰۶) !

اقتصاد افغانستان بعد از سه دهه جنگ و چهارسال خشکسالی از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) به اینسو شانس احیای مجدد، بازسازی و ثبات را پیدا نمود. و منطقاً تحلیل و بررسی رشد آن نیز از همین نقطه باید شروع شود و آن باید مراحل را بپیماید تا به مرحله ثبات و رشد متداوم برسد.

بصورت عام نظریه طولانی مدت بودن، فرایند رشد، تحلیل های گوناگونی برای مشخص کردن مراحل آن صورت گرفته است، باوجود مشکلاتی که بر سر راه کشف قوانین این تحول وجود دارد، در وضعیت کنونی تحقیقات انجام شده می توان سه مرحله عمده را تمیز داد.

مرحله آمادگی: - که در طی آن به طرز کند و تدریجی پاره ای دیگرگونی های ساختی پدید می آید که به جامعه امکان میدهد با آمادگی بهتر تجربه رشد را تحمل کند.

مرحله خیز: - که نسبتاً سریع (۳۰-۴۰) سال، در طی آن به کمک سرمایه گذاری های پرشتاب، اقتصاد از مرحله توسعه می گذرد.

مرحله رشد پیگیر: - که در طی آن برغم نوسانات کمابیش شدید، اقتصاد تاب آورده بانرخ رشد البته ضعیف تر از مرحله قبلی و با حجم فعالیتهای دایماً فزاینده در مسیر رشد گام برمیدارد.

ارزیابی رشد اقتصادی از مقایسه افزایش کمی و کیفی ظرفیت و حجم محصولات حقیقی ملی سال مورد نظر با یک سال قبل آنست. و در حالات دوام بحران و بی ثباتی طولانی، آخرین سال قبل از آغاز بحران را اساس سنجش رشد اقتصادی انتخاب می کنند و در افغانستان سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) اساس سنجش نرخ رشد اقتصادی و غیره ارزیابی ها پذیرفته شد است.

شاخصی که معمولاً برای اندازه گیری رشد بکار میرود عبارت از دو شاخص مرتبط باهم، رشد تولید حقیقی ملی و رشد تولید سرانه است. وابسته از این شاخص احصائیوی بازتابدهنده رشد اقتصادی، سرعت و یا نرخ رشد تولید داخلی ملی GDP به شکل فیصد% افاده می گردد.

برای تحلیل روشن از افزایش تولید ناخالص ملی طی سالهای نامبرده ، ابتدا ارقامی از وضعیت اقتصادی قبل از سال ۱۳۸۱ ارائه می شود.

سیر احیای مجدد و ثبات در اقتصاد:

	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
فیصدی رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی	- ۸	- ۱۲	- ۹٫۴	۲۸٫۶
فیصدی شاخص قیمت مصرف کنندگان	۳۶٫۸	۱۶٫۹	- ۱۵٫۱	۴٫۶
نرخ تبادل افغانی در مقابل دلار امریکایی	۴۹٫۷	۶۷٫۳	۵۳٫۹	۴۴٫۸

در ختم ۱۳۸۰ در افغانستان صلح استحکام یافته و در حال گذار از اقتصاد جنگ به یک اقتصاد صلح و امنیت میباشد و سال ۱۳۸۱ نشان دهنده آغاز یک اقتصاد دارای مارکت با امن و رشد حقیقی GDP، ۲۸٫۶ فیصد بوده که شاخص های اساسی آن عبارت از زراعت، ساختمان ها، یک قسمت از صنایع و تولید خدمات میباشد. که زراعت ۲۷٫۷٪ صنایع ۲۱٫۱٪ و خدمات ۳۹٫۵٪ در این رشد سهم داشته و این افزایش ناشی از کمک های بین المللی بیشتر از همه در سکتور خدمات و ساختمان ها بوده است. سکتور زراعت بصورت تخمین ۵۲٪ GDP را سکتور صنایع ۲۴٪ که از جمله ۱۷٫۸٪ معادن، صنایع فابریکاتی، برق و آب و ۶٫۲٪ ساختمان ها تشکیل میدهد. ارقام ثبت شده حاصل صنایع سال ۱۳۸۱ یک رشد بزرگ ۲۱٫۱٪ نشان میدهد که بلند ترین رشد سکتور ها را ساختمان ها دارا بوده که ۱۵۰٪ رانشان میدهد. و سهم خدمات ۲۴٪ در GDP بوده و رشد حاصل خدمات در سال ۱۳۸۱ ، ۳۹٫۵ ، میباشد که از تجارت عمده و پرچون ترانسپورت و مخابرات اداره عامه، دفاع ، منازل شخصی و کمک های تخنیکی ناشی گردیده است. و ارزش مجموعی تولید ناخالص داخلی GDP بالغ به ۱۸۱٫۲۶۹٫۴ ملیون افغانی جدید بوده است.

در سال ۱۳۸۱ GDP حقیقی در حدود ۷۵ فیصد سال ۱۳۵۷ را احتوا میکند. ضمناً نفوس از ۱۲٫۷ ملیون در سال ۱۳۵۷ به ۲۱٫۸ ملیون در سال ۱۳۸۱ افزایش نموده است. در نتیجه سطح زندگی بوسیله عاید سرانه فی نفر اندازه گیری گردیده که تنها ۴۵ فیصد سطح زندگی سال ۱۳۵۷ را ارقام سال ۱۳۸۱ تشکیل میدهد.

بانک جهانی نرخ رشد اقتصادی را طی ۲۰۰۲-۲۰۰۵ چنین به نشر رسانیده اند:

The real value of no-drug GDP increased by 29% in 2002, 16% in 2003, and 8% in 2004 (despite lower agricultural harvest in 2004).
Economic growth in 2005 is estimated at 14%.

رشد تولید ناخالص داخلی بالترتیب در سالهای ۲۰۰۳، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۹٪، ۱۶٪، ۸٪ و ۱۴٪ و به همین ترتیب ۸٪ در ۲۰۰۶ بوده و در سال جاری نیز ۸٪ توقع برده میشود. مقامات افغانستان انتظار دارند در صورت تحقق این رقم، درآمد سرانه این کشور به چهار صد دالر خواهد رسید.

ورقم ارزش تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۱ بالغ به ۱۸۱/۲۶۹/۴ ملیون افغانی (نرخ تسعیر به دالر ۴۴/۸) و در سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ به بیش از چهارونیم میلیارد دار و از آن بعد ۵/۹۷۱ میلیارد، ۷/۳ میلیارد و در سال ۲۰۰۶ بالغ به ۸ میلیارد از جانب مقامات و مراجع دولتی و بانک جهانی اعلام شده است.

طی این زمان مبلغ ۱۳-۱۵ میلیارد دالر از مجموع ۳۰ میلیارد کمک های تعهد شده جامعه جهانی به حساب افغانستان اجرا شده که از آن جله ۳/۷ میلیارد یعنی حدود ۲۸٪ از طریق دولت و باقی آن از جانب انجیو ها و موسسات بین المللی به مصرف رسیده است.

تحلیل

سال ۱۳۸۱ نقطه آغاز مرحله اول رشد اقتصادی افغانستان یعنی مرحله آمادگی است یعنی از همین زمان با ید کلیه امکانات و منابع در قالب برنامه های مشخص بازسازی در جهت ساختن تدریجی زیربنا ها و بستر ها به منظور انجام تجربه رشد اقتصادی می باشد. اکنون می پردازیم به بیان اقدامات دولت، دستاوردها و کمبودی ها:

- دولت موقت بلافاصله بعد از ایجاد آن در نتیجه توافقات بن در دسامبر ۲۰۰۱ بعد از ارزیابی های مقدماتی خسارات وارده به اقتصاد را حدود سی میلیارد تخمین نمود و سازمان ملل متحد در کنفرانس بازسازی افغانستان در توکیو در ماه جنوری ۲۰۰۲ هزینه بازسازی افغانستان را طی ده سال بالغ به ده میلیارد پیش بینی کرد و کشور ها و موسسات شرکت کننده مبلغ پنج میلیارد دالر را ظرف پنج سال طوریکه مبلغ ۱/۸ میلیارد را در سال اول ۲۰۰۲ و مبلغ حدود دو میلیارد را در سال ۲۰۰۳ در اختیار بازسازی افغانستان بگذارند. دولت بتاسی از آن برنامه ای را تحت نام توسعه ملی (برنامه بزرگ بازسازی افغانستان) در شش بخش (همبستگی ملی، کاریابی، سرک (جاده) سازی، آموزش و پرورش و بهداشت، آبیاری و نوسازی ساختمان های دولتی) طرح و به منصفه اجرا قرارداد.

- برنامه همبستگی بمثابة نخستین برنامه مبرم بازسازی افغانستان به هدف کاهش فقر در روستا های کشور به اجرا گذاشته شد که در چوکات این برنامه به هر قریه مبلغ بیست هزار دالر و به هر خانواده مبلغ ۲۰۰ دالر اختصاص داده شد قرار شد که در سال ۲۰۰۳ در ۴۰۰۰ روستا و در سه سال آینده

در سراسر کشور اجرا خواهد شد و حالا در مجمع انکشافی افغانستان بتاريخ ۳۰ اپریل ۲۰۰۷ در صحبت رئیس جمهور گفته شد که ۲۶ هزار قریه تحت پوشش این برنامه قرار گرفته است.

- برنامه کاریابی - این برنامه کوتاه مدت بوده که از جانب دولت به همکاری ملل متحد اجرا میشد و در نتیجه آن هزاران تن در سراسر افغانستان برای مدت محدود در بازسازی راه های خاکی مناطق غیر شهری که روستا هارا به شهر ها وصل میکند مشغول میگردد.

- سرک (جاده ها) - این برنامه بعنوان مهمترین بخش بازسازی افغانستان خوانده شده است که دولت برای ساختن شاهراه ها انرا طرح نموده و برطبق آن راه ها به چهار دسته تقسیم شده است.

دسته اول، شاهراه " رینگ رود " (جاده حلقوی) نامگذاری شده است ، این شاهراه از کابل تا قندهار در جنوب واز آنجا تا هرات در غرب واز هیرات تا بادغیس و میمنه واز آنجا تا مزارشریف در شمال امتداد یافته ومزار را از طریق سالنگ ها به کابل وصل می نماید.

- دسته دوم کلیه جاده های که افغانستان را با پنج کشور همسایه وهم مرز ایران ، پاکستان ، ترکمنستان، ازبکستان وتاجیکستان ، بوسیله هست مرکز تجارتي نرزی با آنها در ارتباط است ، وصل میکند.

- دسته سوم شاهراه مرکزی که کابل را از طریق مناطق مرکزی با ولایات غربی هرات وصل میکند و در درجه دوم قرار داده شده بود.

- دسته چهارم، تمام را های دیگر که شهر های کشور باهم وصل کرده اند ودر اولین قدم باز سازی خواهد شد وگفته شده بود که در مجموع در افغانستان بیست هزار کیلومتر سرک موجود است که نیاز به باز سازی دارد.

باید گفت که کار های در این زمینه صورت گرفته است ولی متأسفانه فیصدی دقیق پیشرفت پلان در دست نیست واین کار ارزیابی و قضاوت را دچار مشکل نموده است .

تا جایکه دیده میشود برغم مصارف هنگفت منابع پولی کارها از کیفیت لازم برخوردار نبوده .

- در رابطه به برنامه آموزش وپرورش وبهداشت باید گفت که در نتیجه این برنامه وتدایر بعدی در حال حاضر به تعداد شش ملیون اطفال اعم از پسر ودختر به مکتب میروند ودر تعداد مکاتب وموسسات تعلیمی وتحصیلی افزایش بعمل آمده است ولی موجودیت بد امنی در بعضی از نقاط کشور پیشرفت در این عرصه را دچار کندی ومورد تهدید قرار داده است. در رابطه به بهداشت ،سطح دسترسی به خدمات صحی بهبود یافته ومیزان مرگ ومیر اطفال کاهش پیدا نموده ولی مشکلات فراوان هنوز وجود دارد.

- بازسازی سیستم آبیاری کشور درسطح پاک کاری جوی ها وانهار وکاریز ها در سطح ابتدایی صورت گرفته ولی کار جدی پیرامون سروی و اندازه گیری دقیق ذخایر آبی ، مهار کردن وتحت استفاده قرار دادن این سرمایه با ارزش ملی صورت نگرفته است.

- در بخش نوسازی ساختمان های دولتی نیز کارهای صورت گرفته است ولی کیفیت آن خیلی ضعیف و نظر به هزینه بکار رفته دارای ارزش اندک است.

البته نتیجه گیری که بعد از دوسال نخست صورت گرفت مسولان دولت متوجه شدن که برآورد میزان خسارات دقیق نبوده ، و حجم صدمات و خسارات به مراتب بزرگتر از آن است که دولت تصور آنرا داشت و پول وعده شده در کنفرانس توکیو بسیار ناچیز است.

محمد امین فرهنگ وزیر بازسازی افغانستان در مصاحبه اختصاصی با ایرنا گفت " نیاز های مالی اقتصادی افغانستان برای بازسازی بسیار زیاد است و گمان میرفت که کمک اعلام شده ۴/۵ میلیارد دالر در اجلاس توکیو برای امر بازسازی کافی خواهد بود اما با انجام مطالعات مستمر، اکنون مشخص شده است که میزان خرابی های ۲۳ سال جنگ در کشور وسیعتر از حد تصور بوده و به بودجه وامکانات به مراتب بیشتر نیاز است."

به همین ترتیب دولت افغانستان نتوانست در دومین کنفرانس کمک به بازسازی افغانستان در برلین نیز رقام مشخص ارایه کند. وزیر بازسازی در پاسخ یک سوال در باره میزان اعتبار مورد نیاز برای بازسازی کامل افغانستان اظهار داشت : در نشت المان هیچ رقم مشخص مطرح نخواهد شد زیرا با توجه با حجم عظیم ویرانیها نمی توان گفت به چه میزان بودجه نیاز است و سوی دیگر مطالعات ما نیز تکمیل نشده است. و بعداً در ماه جدی همین سال به خبرنگار ایرنا گفته بود که این کشور برای پیشبر برنامه بازسازی و توسعه اقتصادی در طول پنجسال آینده به حدود ۳۵ میلیارد دالر بودجه نیاز دارد. ولی متأسفانه تاکنون که مدت پنج سال سپری شده و میلیارد ها دالر از محل کمک های جامعه جهانی به مصرف رسیده دولت نتوانسته مطالعات خویش را در مورد میزان خسارات وارده تکمیل و و طول زمان بازسازی را و پیشبینی و هزینه مورد نیاز را مشخص سازد و برنامه دقیق وزمانبندی شده رشد اقتصادی را طرح و به منصفه اجرا قرار دهد.

برغم این همه بی برنامهگی دولت و مشکلات موجود موسسات بین المللی مانند بانک جهان، صندوق بین المللی پول و بانک آسیایی ضمن رضایت از بهبود روند اقتصادی گزارشات و ارقام فریبنده ووتصنعی و در بعضی مورد متناقض را مبنی بر رشد اقتصادی افغانستان به نشر رسانیده است: بانک توسعه اقتصادی طی یک گزارش از بهبود روند اقتصادی افغانسنان در فبروری ۲۰۰۴، رشد اقتصادی را در سال آینده مانند سال قبل آن ۱۰% پیشبینی کرد و صندوق بین المللی پول این رشد را ۳۰% اعلام نمود. و همچنان همین بانک تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۰۳ چهار میلیارد و چهارصد میلیون به اطلاع رسانده است.

بانک جهانی در یک گزارش در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد که افغانستان به مقایسه به سایر کشور های جنگزده پیشرفت های قابل ملاحظه داشته و به مقایسه با وضعیت دوسال قبل ، اکنون شاهد فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستیم و در عین حال بخش قابل توجه جمعیت در فقر بسر

میبرند. این بانک در یک گزارشی که در سال ۲۰۰۵ در کابل منتشر شد مگوید که اقتصاد افغانستان در دو سال گذشته، پنجاه درصد رشد داشته و دلایل عمده رشد را بهبود وضع کشاورزی نسبت به سالهای که این کشور در جنگ بود، احیای فعالیتهای اقتصادی، سیاست گذاری دولت در عرصه اصلاحات پولی در اخیر ۲۰۰۲، کنترل بازار ارز و پشتیبانی از پول رایج کشور نامبرد. در گزارش بعدی این بانک در سال ۲۰۰۶ که چهار سال اخیر را بررسی کرده، ضمن ابراز نگرانی از رشد آهسته افغانستان آورده است که ظرفیت های اداری در سیستم مالی افغانستان ضعیف است و در برخی موارد، اصلاً وجود ندارد.

خلاصه

آگاهان و کارشناسان امور که بررسی های صورت گرفته پیرامون وضعیت اقتصادی افغانستان از جانب موسسات بین المللی را از نزدیک تعقیب میکنند به راحتی متوجه تناقضات موجود در گزارشات و ارزیابی های آنها می شوند.

این نوع بررسی ها نتنها دور از واقعیت، تصنعی، گمراه کننده و غرض آلود است، بلکه یک نوع تشویق منفی نیز می باشد. مثلاً گفته شده است که حجم تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۳ بالغ به چهار میلیارد و چهارصد میلیون دالروعايد سرانه ۱۷۰ دالر بوده در حالیکه بنابر گزارشات همین منابع حدود ۵۰٪ تولید ناخالص داخلی را تولید مواد مخدر میسازد. و سهم مواد مخدر در ترکیب عاید ناخالص داخلی کشور الی اکنون در همین حدود وحتى بیشتر آن حفظ گردیده است. وقتی سخن از نرخ رشد اقتصادی گفته شده است، تولیدات مواد مخدر در آن محاسبه نشده، اما وقتی عاید سرانه مطرح گردیده، تولیدات مواد مخدر به آن جمع شده است. زیرا عاید سرانه حاصل تقسیم تولید ناخالص ملی بر جمعیت کشور است.

تولید مواد مخدر مطابق قوانین کشور مجاز نیست و از محصولات آن مالیه اخذ نمیگردد و هرگونه افزایش در آن تأثیر مثبت در اقتصاد ندارد مزیداً سالانه میلیارد ها دالر به عیوض سرمایه گذاری در رشد اقتصاد در جهت امحای آن ظاهراً به مصرف میرسد. این در حالیست که مطابق برتازه ترین گزارشها که در امریکا منتشر شد، سطح زیر خشخاش در سال ۲۰۰۶، با ۶۱٪ افزایش به ۱۷۲/۶ هزار هکتار و میزان تولید تریاک به ۶/۵ هزار تن تخمین زده شده است.

باید تذکر داد که ۷/۹ میلیون هکتار زمین قابل کشت در افغانستان وجود دارد از جمله ۳/۵ میلیون هکتار فعلاً کشت میشود.

مزیداً نبود برنامه دقیق رشد تولیدات زراعتی باعث ورشکستگی زراعت سنتی گردیده و زمینه را غرض کشت کوکنار مساعد ساخته و ادامه این وضع به عرصه زراعت که بخش اساسی اقتصاد است

وسهم بزرگی در تولید ناخالص ملی دارد، ضربه میزند. این امر به نوبه خویش اثرات فوق العاده ناگوار را در پیشرفت رشد اقتصادی بوجود میآورد.

نکته دیگر، افزایش رشد عرصه ساختمان ها و تجارت است. ایجاد ساختمان ها یک نیاز مبرم اقتصادی-اجتماعی کشور است که آن باید بر طبق نیاز مندی در بخش رهائشی، اداری، فرهنگی و صنعتی ساخته شود. نه آنطوریکه در افغانستان ساختمان های چند منزله ساخته شده است. ساختمان های چند منزله نمیتوانند مشکلات جامعه را مانند سرکها، زراعت و انرژی حل نماید. این بخش میتواند بطوری موقت برای عده ای شغل ایجاد کند و استفاده از این ساختمان هابستگی به رشد مطلوب و سطح عاید مردم دارد.

افزایش رشد تجارت نیز مطلوب نیست، زیرا رشد بیشتر در بخش واردات بمشاهده میرسد. برویت بیلانس تادیات در حال حاضر رقم واردات به بیشتر از ۳ میلیارد ورقم صادرات به ۵۰۰ میلیون دالر میرسد که یکسر بزرگ ۲/۵ میلیارد را نشان میدهد. موجودیت این حالت در داراز مدت به ضرر تولیدات داخلی و رشد تجارت داخلی بوده، موجب خروج تدریجی منابع به خارج در عیوض استفاده آن در رشد اقتصاد گردیده و در نهایت منجر به بی ثباتی ارزش پول و بروز انفلاسیون میگردد.

بخش صنعت که نقش بزرگ را در افزایش تولیدات داخلی، اشتغال و دگرگونی ساختار اقتصادی کشور میتواند داشته باشد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ بویژه عرصه صنایع دستی که تا قبل از جنگ حدود ۵۰٪ تولیدات عرصه صنایع را احتوا میکرد و صنایع استخراج معادن و گاز طبیعی که میتواند منبع مطمئن تأمین بودجه کشور گردد. تنها عواید استفاده داخلی و صادرات گاز طبیعی میتواند یک رقم خوب عایدات بودجه دولت باشد. در حالیکه در افغانستان بر طبق مطالعات اولیه ۳۰۰ معدن مختلف شناسایی شده است. بنابر گزارش ایرنا از قول وزیر معدن ذخایر نفت و گاز شمال کشور دو میلیارد بیرل نفت و ۱/۳ تریلیون متر مکعب گاز تخمین زده شده است. و براساس اعلام مقامات افغانستان، این کشور در طول تاریخ خود تا اکنون فقط قادر به صدور ۵۰ الی ۶۰ میلیارد متر مکعب گاز شده است.

البته عکس برداری های امریکایی ها از معادن دیگر در جوار دریای امریکای نزدیک به شیرخان بندراز موجودیت بیشتر نفت و گاز در افغانستان مزده میدهد که در صورت تکمیل مطالعات و بهره برداری از آن زمینه مساعد رشد و توسعه اقتصادی میسر خواهد شد ولی تا آن دم باید از معادن استفاده درست و موثر صورت گیرد. همچنان توجه سکتور خصوصی نیز طوریکه نیاز است جلب نشد و از فرصتی که در این زمینه وجود داشت، در بخش صنایع استفاده نگردیده است.

بنابر اظهارات عمر زاخیل وال در سال ۱۳۸۵ به ارزش یک میلیارد دالر سرمایه گذاری شده که سهم سرمایه گذاری خارجی در آن ۲۵٪ میباشد و در سال ۱۳۸۶ توقع میرود که این رقم به ۱/۵ میلیارد

دالر برسد . و تا اکنون سه پارک صنعتی ساخته شده و کار بالای پارک صنعتی ننگرهار و قریه کمری ولسوالی بگرامی ولایت کابل جریان دارد. تا جایکه دیده میشود سهم سرمایه گذاری خارجی خیلی ناچیز است . موجودیت مشلات امنیتی، نبود زیر بنا (انرژی و انفروکتور) زمین عدم تطبیق قانون و فساد اداری سبب شده تا سرمایه های کلان تشویق نشوند.

توجه به افزایش عواید دولت از طریق تنظیم و اجرای سیاست عادلانه و عصری مالیاتی در سراسر کشور و توجه خاص به مالیات مستقیم از جمله اخذ مالیات از عواید شرکت ها . افراد خارجی که تا اکنون از توجه دور بوده است. و تلاشهای دولت در مجموع در زمینه جمع اوری عواید دولت ناکام می باشد. در عرصه پولی، بانکی و مالی کار های صورت گرفته است که میتوان از اجرای اصلاحات پولی دولت در پایان سال ۲۰۰۲ طرح و اصلاح بعضی از قوانین در عرصه اقتصادی و ایجاد بانکهای خصوصی داخلی و خارجی که شمار آنها در حال حاضر به ۱۳ میرسد، نامبرد. این بانکها توانسته در فعال سازی پول های راکد شهروندان رول مهم بازی کند بنابر اظهارات رئیس اتاقهای تجارت بین المللی آذرخش حافظی حدود ۷۰۰ میلیون دالر پول راکد مردم را این بانکها به حرکت انداخته اند. و در حال حاضر اشخاص انفرادی، سکتور خصوصی و مامورین دولت از تسهیلات و خدمات این بانکها مستفید میشوند. که باید فعالیتهای آنها تحت نظارت باشد تا از مسیر قانونی و مشروع خارج نشوند در غیر آن زمینه های خروج پول، پول شوی و سودجوی نامشروع بوجود خواهد آمد.

اصلاحات پولی با کم کردن ۳ صفر یعنی کاهش رقم ۱۰۰۰ به ۱ صرف میتواند از تراکم و حجم فزینی پول کم کند ولی ثبات واقعی ان به تولیدات داخلی ارتباط دارد. ثبات نسبی ارزش افغانی از برکت مداخله فعال بانک مرکزی با تزریق ماهانه ده ها میلیون دالر به بازار ارز میباشد و این ثبات مصنوعی است نه طبیعی به محض قطع مداخله دولت ثبات برهم می خورد..

نتیجه

البته تردیدی وجود ندارد که در افغانستان کار های در زمینه بازسازی و رشد اقتصادی صورت گرفته است ولی به تناسب حدود ۱۳ میلیارد دالر کمک جامعه جهانی و پنج سال وقت خیلی اندک است. ممکن است مردم تا حدودی از وضعیت کنونی اقتصاد راضی باشند ولی آنرا به مراتب کمتر از چیزی میدانند که پنج سال پیش انتظار داشتند.

رشد اقتصادی افغانستان رشد واقعی، مؤثر و مطلوب نبوده ، رشد ادعا شد یک رشد مؤقتی و غیر نورمال بوده که از اثر کمک های خارجی بعمل آمده است . در گزارش رئیس بانک مرکزی به رئیس جمهوری کرزی در ارتباط افزایش درآمد سرانه و کاهش تورم گفته شده که درآمد سرانه از ۲۰۰ دالر در سال ۱۳۸۲ به ۲۹۳ دالر در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است و در سال ۱۳۸۵ به ۳۱۵ و در سال ۱۳۸۶

به ۴۰۰ دالر و تا ختم دوره پنج سال ریاست جمهوری کرزی به ۵۰۰ دالر میرسد. در این افزایش کسانی شامل میشود که عاید چندین برابر این رقم را در سال دارند و هم کسانی که چندین مرتبه کمتر از رقم متوسط را دارا می باشند؛ این یک باور کاذب است که تصور شود که عاید تمام شهروندان به طور مساوی بالا رفته است. همچنان رشد واقعی و مطلوب به آن رشدی گفته میشود که متضمن دگرگونی ساختهای جامعه نه فقط در بعد اقتصادی، بلکه در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی در سطح شعور شهروندان تبارز یابد. و آن در نتیجه رشد زیر بناها و رشد تولیدات داخلی و ارتقا اقتدار و ظرفیت ملی بعمل میآید. منبع اساسی رشد ادعا شده در افغانستان کمکهای خارجی است. هرگاه این کمکها قطع گردد. رشد نیز متوقف میشود

و از جانب دیگر هر رشد متضمن هزینه و منافی است. رشد به اهداف خود نمیرسد مگر اینکه این هزینه و منافع به منصفانه ترین وجهی میان افراد جامعه توزیع شود. در این پنج سال سخن از رشد اقتصادی در حالی گفته میشود که فاصله میان فقر و ثروت بیشتر شده و اکثر مردم هیچ بهبودی را در زندگی شان لمس نکرده اند. و مردم حالا باور شان را نسبت به آینده از دست داده اند. در حالیکه پنج سال قبل برعکس آن بود. این یک حالت برگشت (رگرس) را نشان میدهد که تأثیرات منفی روانی را بالای شهروندان بجا گذاشته است.

با ارزیابی های که در بالا صورت گرفت به این نتیجه میرسیم که افغانستان در طی پنج سال گذشته رشد اقتصادی داشته و آن از برکت کمکهای خارجی بوده نه در نتیجه رشد تولیدات داخلی. و این رشد یک رشد غیر مطلوب و غیر موثر میباشد و هیچ اطمینان را در جهت رشد پیگیر و ثبات اقتصادی بدست نمی دهد.

دکتر دستگیر رضایی

جون ۲۰۰۷ هالند

منابع:

سالنامه احصائیوی ۱۳۸۲، گزارشات بانگ جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک توسعه آسیایی سایت موسسه حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان، سایت وزارت های مالی و تجارت و گزارشات و مصاحبه های منابع دولتی افغانستان و مواد ارسیف شخصی.

www.esalat.org